

صندوق بین المللی پول و رژیم «ولایت فقیه»

در گزارش صندوق بین المللی پول از جمله قید شده است: «موقعیت اقتصادی خارجی ایران تقویت شده است. رقم مازاد جاری دو برابر و معادل ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده است که نشانگر افزایش سریع در صادرات نفت خام است. موازانه مازاد در مجموع ۶/۹ میلیارد دلار بالغ شده است و ذخایر رسمی تولید، از جمله در صندوق تعادل نفت (ا.و.اس.اف) در سطح هشت ماه واردات کالا و خدمات قرار گرفت ... درآمدهای غیر نفتی فقط ۴ درصد رشد داشته است که به دلیل ضعف در دستیابی به درآمدهای مالیاتی و انتقالات سود از مشاغل عمده است.»

گزارش صندوق بین المللی پول، در عین حال، از مقامات رژیم «ولایت فقیه» به دلیل اعلام رسمی برنامه اصلاحات ساختاری در سال کنونی و سال های آینده تقدیر

ادامه در صفحه ۴

هیئت مدیره اجرایی صندوق بین المللی پول بار دیگر طی چند سال اخیر، در گزارش سالیانه خود سمت گیری اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی را مورد حمایت و تأیید قرار داد. در گزارش این نهاد پر نفوذ سرمایه داری جهانی، که در تاریخ ۲۸ شهریور ماه ۱۳۸۰ (۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱) انتشار یافت، و بخش هایی از آن در مطبوعات مجاز کشور به چاپ رسید، به ویژه از برنامه خصوصی سازی و آزاد سازی تجاری استقبال شده است و اقدامات جمهوری اسلامی در این زمینه گشایش اقتصادی ایران ارزیابی شده است.

گزارش امسال صندوق بین المللی پول در ارتباط با ایران، بررغم بازتاب آن در رسانه های گروهی همگانی تحت الشعاع اقدامات تروریستی در نیویورک و واشنگتن و سپس لشکر کشی آمریکا و انگلیس به منطقه قرار گرفت و بنابراین به صورت وسیع و هم جانبه مورد بررسی و مذاقه قرار نگرفت.



شماره ۶۲۰، دوره هشتم
سال هجدهم، اول آبان ماه ۱۳۸۰

جلوه های پر شکوه همبستگی بین المللی در شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران در صفحه ۵

خصوصی سازی، و اخراج کارگران در صنعت نفت

بر اساس گزارش های رسانه های گروهی، در راستای اجرای برنامه سوم توسعه، واگذاری بخش هایی از صنایع نفت و گاز ملی ایران به شرکت های خصوصی آغاز شده است. در اولین اقدام شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. برای همین منظور و بر اساس مصوبات هیأت وزیران جمهوری اسلامی، شرکت تخصصی پالایش و پخش فرآورده های نفتی در سازمان خصوصی سازی ایجاد گردیده است. این شرکت در زیر مجموعه خود ۱۳ شرکت را جای داده است که به

ادامه در صفحه ۲

روند اصلاحات در چنبره یورش های مداوم ارتجاع

قضایی جابر رژیم «ولایت فقیه» بر ضد جنبش دانشجویی و دستگیری ده ها دانشجوی مبارز و آزادی خواه، تلاش برای ایجاد چند دستگی در صفوف تشکل های دانشجویی، خصوصاً پاکسازی بخش های رادیکال آن، در کنار بی تفاوتی جدی درباره سرنوشت زندانیان سیاسی که همچنان در چنگال شکنجه گران رژیم مورد شکنجه و آزار قرار دارند، از جمله سیاست هایی است که به روشنی در تضاد با خواست های جنبش اصلاح طلبی عمل می کند. از مسایل مهم و قابل تأمل دیگر، ترکیب دولت جدید خاتمی و سیاست های اقتصادی - اجتماعی است که از سوی دولت جدید اتخاذ شده است. ترکیب ضعیف، راست گرا و ناهمخوان دولت جدید با خواست های روند اصلاحات، که در ریزنی های خاتمی و مشاوران با «ولی فقیه» رژیم، صورت گرفت و در عوض به تخفیف موقتی جو فشار و آزادی موقت تنی چند از شخصیت های ملی - مذهبی منجر شد، از گام هایی بود که نشانه های جدی انحراف از خواست های مردمی را با خود به همراه داشت. در پی این حرکت تأکید دولت جدید بر ادامه سیاست های مخرب اقتصادی دولت رفسنجانی، مبنی بر گسترش روند «خصوصی سازی» و «تعدیل نیروی انسانی» نشانه دیگری از دور شدن دولت خاتمی، از خواست های جنبش مردمی و قول های پیش از انتخابات بود.

ادامه در صفحه ۶

با گذشت چندین ماه از انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰، روند بیش از پیش نگران کننده بی بر فضای سیاسی کشور حاکم شده است. تهاجم وسیع مرتجعان حاکم در آغاز سال ۱۳۸۰، که با دستگیری ده ها تن از شخصیت های ملی و اصلاح طلب، تشدید فشار بر نشریات اصلاح طلب و دستگیری های وسیع در میان صفوف جنبش دانشجویی ابعاد بسیار گسترده بی پیدا کرد، همچنان در همه ابعاد و زمینه ها ادامه دارد و هر روز ضربه تازه بی بر نهال اصلاحات وارد می کند. در ماه های پیش از انتخابات، و در فضای تشدید خصومت های سیاسی میان جناح های گوناگون، حکومتیان، از جمله سید محمد خاتمی، ضمن انتقاد به عملکرد ضعیف خود در چهار سال ۱۳۷۶ - تا ۱۳۸۰، به مردم قول دادند که در صورت انتخاب مجدد، با درس گیری از گذشته مصمم و پایبند به قولی که به مردم داده اند در راه تحقق خواست های جنبش مردمی و حرکت به سمت استقرار «جامعه مدنی» و حکومت «مردم سالار» تلاش کنند. پس از گذشت چندین ماه نه تنها نشان جدی از این حرکت و تلاش دیده نمی شود، بلکه همه نشانه ها از شکل گیری روندی حکایت می کند که در انتها ضربات باز هم سنگینی بر پیکر اصلاحات و جنبش اصلاح طلبی وارد خواهد کرد. تسلیم در برابر تهاجمات گسترش یابنده دستگاه

سپاس

به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، پیام های پر شور و گرم، به صورت شفاهی، فاکس، پست الکترونیکی و نامه، از درون کشور و از سوی رفقا و هواداران حزب در خارج از کشور به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب رسید که نشانگر اعتقاد خلل ناپذیر توده ای ها، در سراسر جهان، به حزبشان است. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران با سپاس عمیق از همه رفقای که برای حزبشان پیام فرستادند، متقابلاً این خجسته سالگرد را مجدداً به همه توده ای ها تبریک گفته و برای حزبمان در مبارزه دشواری که پیش رو دارد موفقیت روز افزون آرزومند است.

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت

ادامه خصوصی سازی و ...

توطئه های ارتجاع بر ضد جنبش دانشجویی ادامه دارد

صورت مستقل از شرکت ملی نفت ایران امر پالایش و پخش فرآورده های نفتی کشور را بر عهده خواهند گرفت. به موازات این اقدام، جایگاه های توزیع بنزین و فرآورده های نفتی به شرکت های مختلف خصوصی واگذار شده است. به گفته معاون مدیر عامل شرکت پخش فرآورده های نفتی به سازی در صنایع نفت و گاز مراکز سوخت گیری هواپیماها در تمامی فرودگاه های کشور و انبار های سوخت به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. در این زمینه همچنین اعلام شده است که برخی از شرکت های اروپایی و ژاپنی، به ویژه شرکت های انگلیسی، ایتالیایی و ژاپنی خواستار فعالیت در این زمینه شده اند و مراکز سوخت گیری فرودگاه های ایران به این شرکت ها واگذار خواهد شد.

سیاست خصوصی سازی در صنایع نفت و گاز، بر اساس تجربیات گذشته و همچنین تجربیات کشورهای که سیاست های مشابهی را اجرا کرده اند، موج وسیعی از اخراج ها را به همراه خواهد داشت. یکی از مسئولان وزارت نفت جمهوری اسلامی با وقاحت تمام سیاست خصوصی سازی را در جهت کاهش هزینه ها معرفی ساخت و تأکید کرد: «تجربه واگذاری امور حمل و نقل شرکت پخش فرآورده های نفتی به بخش خصوصی مناسب بود و منجر به آن شد که هزینه ها کاهش یابد، در برخی قسمت ها هزینه های پرسنل را تا یک پنجم کاهش داد [البته منظور اخراج وسیع کارگران است].»

با اجرای سیاست خصوصی سازی در صنعت نفت، هزاران کارگر، کارمند متخصص و غیر متخصص با خطر اخراج و «تعدیل نیروی انسانی» روبه رو می شوند. به موجب برآوردهای رسمی فقط در شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی هزاران تن از کارکنان از کار اخراج خواهند شد و در برابر آینده بی تاریک و نامعلوم قرار می گیرند. به تصریح مقامات شرکت ملی هنوز هیچ برنامه ای برای کارکنانی که بر اثر اجرای این سیاست کار خود را از دست خواهند داد، تدوین نشده است. برنامه خصوصی سازی همچنان که تا به امروز بارها ثمرات آن به تجربه رسیده است، امنیت شغلی کارگران و به طور کلی زحمتشان را نابود می کند. باید با سازماندهی دقیق، وسیع و هماهنگ، به مبارزه بر ضد این سیاست های ضد ملی و ضد مردمی برخاست. طبقه کارگر ایران در صورت اتحاد عمل و هماهنگی در امر مبارزه در راه تحقق خواست های صنفی و سیاسی، می تواند ارتجاع حاکم را وادار به عقب نشینی کند.

با بازگشایی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، همان طوری که انتظار می رفت اقدامات مذبحانه برای تحت فشار قرار دادن جنبش دانشجویی همچنان رو به افزایش است. این فشارها از دستگیری فعالان دانشجویی تا از محتوا خالی کردن انجمن ها و تشکل های دانشجویی را شامل می شود. هفته گذشته خبرگزاری ایسنا، اطلاعیه ای را به نام انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر مخابره کرد که در آن خبر از عضوگیری این نهاد دانشجویی می داد. (ایسنا، ۲۳ مهرماه) به دنبال انتشار چنین خبری انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر در نامه بی به خبرگزاری مذکور اعلام کرد، اطلاعیه فوق جعلی است و از طرف این انجمن صادر نگردیده است. در این اطلاعیه همچنین اعلام شده است که اقدام فوق توسط فردی به نام محمد حسن جابری هدایت انجام می گیرد و حمله به دفتر انجمن در تابستان به وسیله او و گروه تحت کنترلش سازمان دهی شده است. اطلاعیه فوق اقدامات جاری را محدود به این انجمن ندانسته و اظهار می کند که اقدامات مشابه در دیگر دانشگاه های کشور نیز در جریان می باشد. این انجمن در اطلاعیه دیگری در تاریخ ۲۴ مهرماه همچنین نوشت: «پر واضح است انجمن اسلامی دانشجویان که سال ها در برابر وزارت اطلاعات سعید امامی، دادگاه انقلاب قاضی حداد و روزنامه خسوفت افزای کیهان، از پای ننشسته است، مطمئناً در جراحی غده درونی سرطانی دوساله نیز پیروز خواهد بود، و انشاء الله دوره نوبتی از فعالیت های خویش را آغاز خواهد کرد.» تحولات حساس در جنبش دانشجویی از آن رو باید با دقت مورد پیگیری قرار گیرد که جناح حکومتی طرفدار اصلاح و مرتجعان حاکم هر دو در یک اقدام مشترک در صدد مسخ این جنبش هستند. نشریه دانشجویی «سحر» در شماره مهرماه، در سرمقاله خود با اشاره به نقش و جایگاه جنبش دانشجویی و تحولات اخیر از دوم خرداد ۷۶ تا کنون، نوشت: «حوادث اخیر انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی امیر کبیر به خوبی مبین نکات فوق است. از آنجا که این انجمن نقش اساسی در پیگیری مطالبات مدنی دانشجویان داشته است، امروز بخش هایی از

حاکمیت وجود آن را بر نمی تابد. از طرفی توان تعطیلی مستقیم آن را ندارد، لذا مناسب ترین شیوه را نفوذ و آلت دست قرار دادن عده ای فرصت طلب در مجموعه می داند تا با مشغول شدن اعضاء به درگیری های داخلی فرصت پرداختن به مسایل دیگر برای آنان فراهم نشود.» در قسمتی دیگر از این مقاله که باید اشاره به جناح حکومتی طرفدار اصلاح باشد، آمده است: «طبیعی است که نمی توان از دموکراسی سخن گفت اما خود قواعد آن را نپذیرفت. اگر احترام به افکار عمومی فقط در حد شعار باشد، در کشوری که به لحاظ تاریخی از سیاست به عنوان یک امر منفی و بازی پشت پرده یاد می شود، به اعتماد ملت خدشه وارد خواهد شد و این نکته بی است که مدعیان اصلاح طلبی باید سخت بدان توجه داشته باشند. از آنجا که وزارت علوم، می تواند نقش مهمی در برون رفت انجمن اسلامی پلی تکنیک از وضعیت کنونی داشته باشد، ذکر یک نکته را ضروری می دانیم و آن اینکه، دولت خاستی و اصلاح طلبان داخل حاکمیت باید بدانند که مانع تراشی برای فعالیت های دانشجویی به هر صورتی، افت جبران ناپذیر جنبش دانشجویی را به همراه خواهد داشت و افکار عمومی را نسبت به امکان انجام اصلاحات به تردید وا خواهد داشت.»

بدین ترتیب فشارهای فزاینده بر جنبش دانشجویی با توافق جناح های حکومتی بر سر آن، آزمایش سختی را پیش روی جنبش مردمی قرار داده است. وظیفه نیروهای مترقی است که با افشای اقدامات ضد اصلاحی حکومتیان، زمینه های روشنگری و توهم زدایی را نیز در میان دانشجویان به پیش ببرند. هر چند ما اعتقاد کامل داریم که جنبش دانشجویی به تنهایی از توان بسیار بالایی برخوردار است اما همان طور که بارها متذکر شده ایم بدون پیوند خوردن آن با دیگر گردان های جنبش مردمی نظیر کارگران و زنان، آسیب پذیری و دادن هزینه های بیشتر دور از انتظار نخواهد بود. جنبش دانشجویی برای مقابله با ارگان ها و جناح های حکومتی چاره ای جز تکیه و پیوند با دیگر گردان های مردمی ندارد.

زدخورد جوانان با مأموران امنیت ری

صورت جدی باید به وظیفه خود عمل کند و اجازه قانون شکنی و قانون ستیزی به احدی را ندهد. به عبارت دیگر نیروی انتظامی برای هر چه بهتر برگزار شدن این جشن ملی باید در کنار مردم و در متن مراسم حضور پیدا کند و با سعه صدر و طمانینه اوضاع را زیر نظر داشته باشد که اگر کسانی در قالب جشن ملی و پیروزی دست به فساد علنی، آشوب، بی نظمی و اعتشاش زدن با برخورد سنجیده و به موقع از بروز هرگونه پیشامد جلوگیری نماید.» این برای اولین بار نیست و برای آخرین بار هم نخواهد بود که چنین درگیری هایی بین جوانان و نیروهای سرکوب گر رژیم رخ می دهد. مقامات حکومتی رژیم اگر این بار «هیجانان» ناشی از مسابقه فوتسال را علت اصلی می دانند، چه جوابی برای تظاهرات مشابه در جشن هایی نظیر چهارشنبه سوری خواهند داشت. مرتجعان و واپس گرایان حکومتی در حالی از «اعتشاش گران» و اخلاص گران» و «خسوفت طلبان» صحبت می کنند که خود نمونه عینی و کاملی از چنین اعمالی هستند. نمونه چنین وحشی گری ها در جریان اعتراضات دانشجویی و به

هفته گذشته بعد از مسابقه فوتبال ایران و عراق، در چارچوب مسابقات مقدماتی جام جهانی، تهران و چند شهر دیگر میهن مان، شاهد درگیری و زدوخورد جوانان با نیروهای سرکوب گر رژیم بود. استاندار تهران گفت: «در جریان درگیری های به وجود آمده حدود ۴۰۰ نفر از متخلفان و اخلاص گران دستگیر شده اند که با آنها به شدت برخورد خواهد شد» (نوروز، ۲۲ مهرماه). به گزارش همین روزنامه، رئیس مرکز اطلاع رسانی نیروی انتظامی با بیان این موضوع که ما مخالف شادی مردم نیستیم، گفت: «به تمامی عوامل نیروی انتظامی تأکید شده بود که فقط با برهم زندگان نظم و امنیت اجتماعی برخورد کنند. یعنی کسانی که به ماشین ها حمله و سنگ پرانی می کنند و شیشه های ماشین ها را می شکنند.» کمیانوش راد، نماینده در مجلس گفت: «وقتی هیجانان بزرگ در سطح ملی برای جامعه پیش می آید، برخی از افراد هم به شیوه های فرصت طلبانه، و تعمدی از فضای با نشاط موجود در اکثریت جمعیت استفاده می کنند و بعضاً دست به اقدامات ناهنجار می زنند. طبیعتاً در این مواقع نیروی انتظامی نیز برای حفظ اموال عمومی با متخلفین برخورد خواهد کرد.» روزنامه «رسالت» ۲۵ مهرماه در مقاله بی با توجه به حوادث هفته گذشته و بازی دیگر ایران مقابل یمن در هراس از چنین وضعیتی می نویسد: «نیروی انتظامی به عنوان مسئول ایجاد امنیت در جامعه و مسئول حفاظت از نظم اجتماعی و آسایش شهروندان، وظیفی را در کنار مردم بر عهده دارد که به

ادامه زود خورد جوانان با ...

خصوصاً واقعه کوی دانشگاه آن هم توسط ارگانی که از آن به طور مرتب به عنوان «حافظ نظم و امنیت عمومی» نام برده می شود، بر همگان روشن است. نمونه های کاملاً آشکار دیگری توسط چماق داران تحت کنترل باندهای وابسته به رژیم نیر در طول سالیان گذشته مرتباً به وقوع پیوسته است. خط و نشان کشیدن روزنامه «رسالت» در حالی صورت می گیرد که قبل از مسابقه فوتبال بین ایران و عراق نیروی سرکوب گر انتظامی در اطلاعیه بی هشدار داده بود که با برهم زدنندگان نظم عمومی برخورد جدی خواهد کرد. استیصال رژیم ولایت فقیه از اوج گیری نارضایتی اکثریت قاطع جوانان میهن ما از ادامه رژیم ترور و اختناق نکته بی نیست که از چشم گردانندگان روزنامه «رسالت» پنهان مانده باشد اما آنها همچنان سعی دارند با مقالاتی رعب انگیز، مهر سرکوب بر خشم فروخته مردم و جوانان بزنند. واقعیت آن است که این بار این حکومتیان هستند که باید در رعب و وحشت به سر ببرند. مقابله با چنین نیروی عظیمی به آسانی میسر نیست و واقف بودن به چنین واقعیتی است که باعث گردیده اعلامیه های شداد و غلاظ اما بی اثر خود را هر روز بیشتر به گوش افکار عمومی برسانند.

حقوق زنان و «ولی فقیه»

هفته گذشته فراکسیون زنان، دیداری با علی خامنه ای کرد که موضوع این دیدار بحث بر سر مشکلات زنان بود. فاطمه حقیقت جو نماینده مجلس در رابطه با این دیدار گفت: «موضوع های مورد بحث بیشتر پیرامون توجه حوزه های علمیه به مسایل حقوقی زنان، ارتقای مدیریتی این قشر از جامعه و همچنین آرایه یک الگوی ایرانی و اسلامی به دختران و نسل جوان کشور بود.» (ایسنا، ۱۴ مهر ماه) وی در مورد سخنان خامنه ای در این دیدار گفت: «مقام رهبری در مورد توجه اسلام به مسایل زنان و نگرش درست این دین به جنسیت سخنانی گفتند. همچنین در باره اثرگذاری زنان در انقلاب این عبارت را به کار بردند. «اگر زنان به انقلاب نمی پیوستند انقلاب اسلامی اتفاق نمی افتاد، بی شک.» وی همچنین تصریح کرد: «مقام رهبری در مورد حضور زنان در سطح مدیریتی فرمودند که در این خصوص معارضه ای نیست.» فاطمه حقیقت جو در سخنرانی بی دیگر در باره موضوع «زنان اصلاح طلب و آینده اصلاحات» با نگرانی از امکان خارج شدن مبارزات زنان از چارچوب های تعیین شده از جمله گفت: «اگر جامعه و اراده سیاسی مسئولان اجازه پاسخگویی به مطالبات زنان را ندهند، به زودی جنبش زنان در جامعه متولد می شود.» و در ادامه افزود: «ما این هشدار را می دهیم که چه بسا این جنبش، فمینیستی، افراطی و خارج از چارچوب اندیشه های دینی باشد.»

وی همچنین دیدگاه های خمینی و خامنه ای در مورد زنان را مترقی اعلام کرد. این سخنان در حالی بیان شد که خامنه ای در دیدار با همین فراکسیون زنان مجلس گفته بود: «یکی از مهم ترین مسایل اصلی در خصوص مشکلات زنان، تصحیح دیدگاه فرهنگ عمومی جامعه در نگرش به مسایل اساسی زنان است.» (ایسنا، ۱۴ مهر ماه) سخنان خامنه ای بسیار روشن است. فرهنگ عمومی جامعه در مورد زنان که خواستار آزادی و احقاق حقوق زنان است، اشتباه است و باید تصحیح شود، یعنی همان طور باشد که مرتجعان حاکم در طول بیش از بیست و دو سال حکومت خویش به زنان تحمیل کرده اند. مساله به همین جا ختم نمی شود و حقیقت جو خواستار استاندار شدن یکی از همین زنان است. یکی از این زنان فاطمه خاتمی است. دولت «اصلاح طلب» محمد خاتمی مصوبه جداسازی زنان و مردان در امور پزشکی را به تصویب رساند. بر اساس ماده پنج این آیین نامه، «اقدامات تشخیصی، درمانی و مراقبتی در موسسات پزشکی باید با حفظ حق اختیار بیمار بر اساس موازین شرعی، قانونی و اصول پزشکی توسط کارکنان هم جنس به عمل آید مگر در مواردی که به علت ضرورت این امر امکان پذیر نباشد.» (نوروز، ۱۶ مهرماه) فاطمه خاتمی در باره این طرح ارتجاعی می گوید: «این طرح قابل اجراست به شرط آن که امکانات داشته باشیم.» (ایسنا، ۱۸ مهر ماه) وی در جایی دیگر گفت: «پس از انقلاب روند آموزش زنان متوقف شد اما طی چند سال گذشته، بار دیگر زنان متخصص تربیت می شوند. البته برای اجرای طرح انطباق امور اداری و فنی موسسات پزشکی با موازین شرع لازم است در تمام رشته ها از بانوان پذیرش کنیم.» طرح هایی که در گذشته قرار بود توسط ذوب شدگان به صورت قانون درآید امروز به وسیله اصلاح طلب نمایان حمایت می شود.

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

وقایع نگاری
یک سده
جنبش کارگری
و کمونیستی
ایران

۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۰ - تشکیل «سازمان زنان ایران» - این سازمان که از پشتیبانی همه سازمان های دموکراتیک و مترقی و در رأس آن حزب توده ایران برخوردار بود در اندک مدتی توانست قشرهای مختلف زنان را در صفوف خود متشکل کند. سازمان زنان ایران به خصوص در زمینه تغییر قانون انتخابات و لزوم شرکت زنان در انتخابات فعالیت درخشانی کرد.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ - برگزاری تظاهرات بزرگ صلح در تهران. در این تظاهرات ده ها هزار تن از مردم تهران شرکت داشتند.
۷ خرداد ۱۳۳۰ - نمایش بزرگ زحمتکشان، به رهبری حزب توده ایران و جمعیت ملی مبارزه با استعمار به مناسبت هجدهمین سال امضای قرار داد ننگین ۱۹۳۳ - این نمایش در تمامی شهرهای ایران، به استثنای خوزستان، که در آن حکومت نظامی اعلام شده بود، برگزار شد. در تهران ۱۰۰/۰۰۰ نفر در این نمایش اعتراضی شرکت کردند.

۲۹ خرداد ۱۳۳۰ - تصمیم به خلع ید از شرکت غاصب نفت از طرف جلسه مشترک هیئت دولت و کمیسیون مختلط نفت.
۷ تیر ۱۳۳۰ - حرکت عظیم ضد استعماری مردم تهران در پشتیبانی از مبارزه بر ضد شرکت غاصب نفت.

۲۳ تیر ۱۳۳۰ - هریمین مشاور مخصوص ترومن، رئیس جمهوری آمریکا، برای به اصطلاح حل مسأله نفت به ایران آمد. جمعیت مبارزه با استعمار به مناسبت پنجمین سال فاجعه ۲۳ تیر ۱۳۲۵ و برای اعتراض به ورود هریمین دلال نفت، تظاهرات بزرگی را سازمان دهی کرد. نیروهای انتظامی به تظاهرات مسالمت آمیز مردم حمله بردند و آن را به خون کشیدند. در این تظاهرات عده زیادی مقتول و مجروح شدند.

۱۴ آذر ۱۳۳۰ - تظاهرات وسیع دانشجویان و دانش آموزان که با حمله اوباش، به سرکردگی شعبان جعفری و نیروهای انتظامی منجر به قتل عده ای از دانشجویان شد.

۱۵ اسفند ۱۳۳۰ - تشکیل «جمعیت ایرانی حمایت از کودکان». این جمعیت از پشتیبانی همه سازمان های دموکراتیک و مترقی و خصوصاً حزب توده ایران برخوردار بود.

سال ۱۳۳۰ - تشکیل فستیوال ملی جوانان و دانشجویان ایران

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

ادامه صندوق بین المللی پول و رژیم ...

کرده است و یاد آوری می کند که باید رهبری جمهوری اسلامی را در عالی ترین سطوح در انجام اصلاحات اقتصادی و کاهش تصدی گری دولت و تضمین امنیت سرمایه هرچه بیشتر ترغیب و تشویق کرد. موارد عمده ای که بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول توجه به آنها اهمیت دارد عبارتند از: تهیه برنامه جلب و جذب سرمایه و تضمین امنیت آن، خصوصی سازی در کلیه زمینه ها خصوصاً در صنایع کلیدی، تغییر قانون کار در راستای تضمین اصل سود و سرمایه، محدود کردن تدریجی و حذف یارانه برای طبقات محروم از بودجه کل کشور.

افزون بر این صندوق بین المللی پول در گزارش خود اشاره می کند که، باید برای رشد سرسام آور نقدینگی در ایران کاری انجام شود وگرنه این رشد به افزایش شدید تورم منجر خواهد شد. قبل از تهیه و انتشار گزارش مورد اشاره یک گروه کارشناسی از صندوق بین المللی پول به ایران سفر کرد و دیدارها و گفت و گوهای مفصلی در سطوح مختلف با مسئولان رژیم انجام داد. همزمان با سفر گروه کارشناسی، هیأت دولت جمهوری اسلامی، به ریاست سید محمد خاتمی، در اواسط شهریور ماه امسال طی مصوبه ای ورود ۱۵۴۵ قلم کالا به داخل کشور را آزاد اعلام کرد. این مصوبه هیأت وزیران در راستای اهداف برنامه سوم توسعه معرفی شده و با استقبال گرم مدافعان ذوب در ولایت و تجار بازار مواجه گردید. همان موقع نیز این اقدام دولت خاتمی آغاز موج تازه آزاد سازی تجاری لقب گرفت و وزیر بازرگانی وعده تداوم آن را داد. نکته جالب و فوق العاده مهم این جاست که از این ۱۵۴۵ قلم کالا، ۳۵۰ قلم آن مربوط به انواع پارچه و محصولات نساجی است و ورود سیل آسای آنها کمر خمیده صنایع نساجی کشور را در اندک مدت خرد خواهد کرد. و مهمتر آنکه به فاصله چند هفته پس از این مصوبه دولت، مجلس شورای اسلامی، در جلسه ۳ مهر ماه ۱۳۸۰، لایحه ضد کارگری و ضد ملی «حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی» را که به موجب آن هزاران کارگر نساجی کار خود را از دست خواهند داد، به تصویب رساند.

فقط صنایع نساجی کشور نیستند که مشمول برنامه های «تعدیل انسانی» رژیم «ولایت فقیه» قرار گرفته اند. در ۲۰ شهریور مطبوعات کشور خبر دادند که «انحصار دخانیات شکسته می شود». اسحاق جهانگیری، وزیر صنایع و معادن، در جریان معارفه مدیر عامل شرکت دخانیات ایران رسماً اعلام کرد: «شرکت دخانیات ایران طبق قانون برنامه سوم به بخش خصوصی واگذار می شود.» خصوصی سازی شرکت دخانیات تهدیدی جز بر ضد بیش از ۱۲ هزار تن کارگران و کارکنان این شرکت است. بر اساس محاسبه کارشناسان، با خصوصی سازی شرکت دخانیات ۸۰ درصد از کارکنان آن یا اخراج خواهند شد و یا اجباراً باز خرید می شوند. به اعتراف جهانگیری هیچ برنامه بی برای حمایت از منافع این نیروی کار نیز وجود ندارد. رحمانی مدیر عامل جدید شرکت دخانیات که مهمترین مأموریت او تسریع روند خصوصی سازی است، در این زمینه می گوید: «لغو انحصار در شرکت دخانیات و واگذاری امور تصدی گری به بخش خصوصی، از جمله مهمترین برنامه های مدیریت شرکت دخانیات است.»

به این مجموعه روند خصوصی سازی، باید صنعت استراتژیک نفت، گاز و پتروشیمی را نیز افزود. اتفاقاً در عرصه نفت و گاز، صندوق بین المللی پول موقتاً به رهبران رژیم خصوصی سازی در سریع ترین زمان ممکن را پیشنهاد می کند. چندی پیش مدیر عامل پخش فرآورده های نفتی اعلام کرد که به زودی کلیه فعالیت های این شرکت، در چارچوب برنامه سوم، به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. این واگذاری تنها به شرکت های خصوصی ایرانی نخواهد بود و شرکت های فراملی نیز از این خوان یغما بی نسیب نخواهند ماند. همچنین بر اساس گزارش های منتشر شده، شرکت های خارجی در بندر چابهار، واقع در استان سیستان و بلوچستان، کار احداث یک پالایشگاه را آغاز خواهند کرد. به گفته محمد تقی صالحی، رئیس هیأت مدیره منطقه آزاد تجاری چابهار، این پالایشگاه با سرمایه شرکت های آلمانی و اتریشی ایجاد خواهد شد و خواهد توانست در روز ۵۰ هزار بشکه فرآورده های نفتی تولید و صادر کند.

دفاع، تحسین و تشویق صندوق بین المللی پول از سیاست های اقتصادی رژیم «ولایت فقیه» نیز دقیقاً به دلیل اتخاذ سیاست های مغایر منافع ملی میهن مان در راه تشدید خصوصی سازی و تعدیل نیروی انسانی است. کوتاه سخن: برنامه سوم توسعه، که حزب ما به درستی آن را برنامه بی مغایر با منافع ملی میهن مان و همچنین اهداف جنبش مردمی در مبارزه بر ضد ارتجاع حاکم ارزیابی کرده است، مبنای کلیه اقداماتی است که در انتها به فروپاشی بیش از پیش بنیه تولیدی کشور و در عین حال نابودی امنیت شغلی کارگران و

زحمتکشان منجر خواهد شد.

رشد تورم، سقوط روز افزون سطح دستمزد ها و درآمد واقعی زحمتکشان، در کنار برنامه برای گره زدن سرنوشت اقتصادی کشور با برنامه ها و سیاست اقتصادی صندوق بین المللی پول و سرمایه انحصاری، مجموعه سیاست هایی است که باید با تمام توان به مخالفت و مبارزه بر ضد آنها برخاست.

ادامه نه پرطنین مردم جهان به نظامی گری ...

سیاستمداران کشور های سرمایه داری در واشنگتن، لندن و برلین که خشنود از مجاب کردن سران کشورهای مختلف جهان به پیوستن به ائتلاف متزلزل حمایت از نظم نوین جانی امپریالیستی در زیر پوشش « جنگ بر ضد تروریسم » مشغول تبریک گفتن به یکدیگر بودند، به هیچ روی تصور چنین عکس العملی را نمی کردند. در ایجاد چنین وضعیتی در کنار نتایج فاجعه بار بمباران هفته های اخیر اظهار نظر های رهبران سیاست گذاری ایالات متحده به بهانه پاسخ گویی به حملات ضد انسانی دهشتناک تروریستی به نیویورک و واشنگتن، که نگرانی افکار عمومی و نیروهای صلح طلب را برانگیخت، نقش عمده داشته است. به موازات تدارک برای حمله نظامی مقامات عالی رتبه رسمی آمریکا اخطار کردند که ده ها کشوری که گویا از تروریسم حمایت می کنند، با «خشم تام و تمام» قدرت نظامی آمریکا رو به رو خواهند شد. وزیر دفاع آمریکا، دونالد رامسفلد، مدعی شد که آمریکا در تدارک «کوششی چند جانبه» برای هدف قرار دادن سازمان های تروریستی و ۶۰ کشوری که از آن ها حمایت می کنند، است. یک سناتور جمهوری خواه در مجلس سنا صراحتاً اعلام کرد: «ما از عدالت صحبت نمی کنیم. ما خواستار انتقام هستیم.» پرزیدنت بوش در سخنان خود از جمله اظهار داشت: «ما از هرگونه سلاح جنگی که ضروری باشد استفاده می کنیم.» او خطاب به مردم آمریکا اخطار می کند: «مردم آمریکا نباید انتظار فقط یک درگیری محدود را داشته باشند. این یک کارزار طولانی مدت است که نظیر آن هیچ گاه دیده نشده است... من خواهان صبر شما هستم... این یک درگیری نظامی کوتاه مدت و محدود نخواهد بود، بلکه برای سالیان بسیاری ادامه خواهد داشت، در تاریخ بی سابقه خواهد بود.»

بوش همه بشریت را تهدید می کند که یا به آمریکا به پیوندند و یا آماده مصیبت باشند: «همه ملت ها در هر منطقه جهان باید تصمیم بگیرند. شما یا با ما هستید و یا با تروریست ها... این یک مبارزه جهانی است، این مبارزه بشریت است.» اوج گیری تظاهرات اعتراضی را باید در تقابل با چنین برنامه های ضد مردمی و برتری طلبانه ای دانست که هیچ ربطی به مقابله با تروریسم ندارد.

فیدل کاسترو، در سخنانی در عکس العمل به ادعای بوش که کشور ها یا از ایالات متحده حمایت می کنند و یا با تروریست ها هستند، اظهار نگرانی کرد که آمریکا در تدارک یک «دیکتاتوری نظامی جهانی» است. کاسترو گفت که عکس العمل نامشخص ایالات متحده به حملات تروریستی می تواند عواقب فاجعه بار داشته باشد. کاسترو آمادگی کوبا را برای همکاری در مبارزه بر ضد تروریسم مورد تأکید مجدد قرار داد، اما خاطر نشان ساخت که ترازوی حمله تروریستی نباید منشأ جنگی شود که هزاران بی گناه در آن کشته شوند.

اخبار محدود و سانسور شده منتشره در رابطه با بمباران افغانستان کاملاً پرده از ابعاد اقدام نظامی ناتو بر میدارد. سران آمریکا و انگلیس که قبلاً مدعی شده بودند که موشک ها و بمب های آن ها به دقت فقط هدف های نظامی را مورد اصابت قرار خواهد داد، اکنون مواجه با حقایقی از جمله اصابت بمب های ۱۰۰۰ کیلویی به خانه های مسکونی، مدرسه و مهمانسرا و حتی یک کاروان پناهندگان بی گناه که خانه های خود را به مقصد اردوگاه های پناهندگی ترک گفته بودند، و بمباران انبارهای صلیب سرخ که محل نگهداری اقلام ضروری برای پناهندگان بودند، می باشند.

سانسور و بی خبر نگه داشتن مردم در رابطه با واقعیات راه مناسبی برای پاسخگویی به ترازوی ۱۱ سپتامبر نیست. راه حل مناسب را می بایست بر پایه ارزش های صلح و پاسخ گویی عادلانه به همه معضلات جهان و از جمله مشکل خاورمیانه جستجو کرد. نیروهای طرفدار صلح از جایگزین هایی که مبتنی بر اجازة دادن به سازمان ملل برای ایفای نقشی که برای آن ایجاد شده است و یافتن یک راه حل معقول و مبتنی بر قوانین جهانی برای مهار کردن تروریسم باشد، پایان دادن به حمایت کشورهای غربی از تروریسم دولتی، صرف نظر کردن از بدهی کشورهای جهان سوم، و جایگزینی سیستم استثمار گرانه کنونی با سیستمی بین المللی مبتنی بر همکاری و همبستگی حمایت می کنند.



جلوه های شکوهمند همبستگی بین المللی در شصتمین سالگرد تأسیس حزب

پیام حزب برای دموکراسی و سوسیالیسم در الجزایر

به کمیته مرکزی حزب توده ایران
رفقای گرامی:

در آستانه شصتمین سالگرد حزب شکوهمند شما، کمونیست های الجزایر، تبریکات گرم خود را نثار رهبری و همه اعضا و هواداران حزب توده ایران می کنند و موفقیت شما را در پیکار قهرمانانه و پیگیرتان خواهند دید. همچنان که در گذشته هم همگام با مبارزات مردم، برای رهایی ملی و در اختیار گرفتن ثروت های ملی کشور و سرنگونی قدرت و حاکمیت شاه، متحد امپریالیست، مبارزه کرده اید. ما هیچ گاه بهای سنگینی که حزب شما در جریان مبارزاتش پرداخت کرده است ازخاطر نبرده ایم. همچنین ما قتل رهبران و اعضا و هواداران حزب را توسط روحانیت بنیادگرا هیچگاه فراموش نخواهیم کرد. روحانیون بنیادگرایی که پیروزی مردم برضد شاه و بزرگ مالکان را به سود خود غصب کردند. پیکار احزاب ما برضد سرمایه داری و بزرگ مالکان شباهت های زیادی دارد. سرمایه داران و بزرگ مالکان مرتجع به دلیل گمراه کردن مردم و منافع طبقاتی خود، پشت مذهب پنهان می شوند تا از شوک فابی و رشد آگاهی طبقه کارگر و دهقانان فقیر جلوگیری کنند. این وضعیت مشابه باید رشته های همبستگی ما را محکم تر کند. با توجه به اینکه پس از ۱۱ سپتامبر و حملات تروریستی در آمریکا که توسط همه مردم جهان محکوم گردید، امپریالیست های جهانی بویژه آمریکا در صددند که با استفاده از تحریرات انجام گرفته، جهان را به وضعیت خطرناکی که منافع آینده سرمایه داری را تامین کند، بکشانند. مردم و کمونیست های الجزایر عملکرد تروریست های اسلامی را اشتباه می دانند همان طور که سمت گیری ارتجاعی حاکمیت بورژوازی تجاری الجزایر را در زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IFM) دیکته شده است را برای الجزایر مخرب و زیان آور می دانند. ما همچنین به اهمیت تحکیم همبستگی بین احزاب کمونیست، احزاب کارگری و مترقی سراسر جهان که باید همگی در مقابل امپریالیسم و نقشه های واپس گرایانه آن بایستند، واقفیم. رفقای عزیز:

در شصتمین سالروز بنیادگذاری حزب قهرمانتان، ما آمادگی خود را برای مستحکم تر کردن همبستگی انترناسیونالیستی با حزب شما، در راه پشتیبانی از مبارزات حزب توده ایران و مردم کشورتان اعلام می کنیم.

زنده باد دوستی بین مردم ایران و الجزایر؛ زنده باد دوستی و همبستگی بین احزاب مان
زنده باد شصتمین سالروز حزب توده ایران. افتخار به شهیدان حزب شما

پیام حزب کمونیست بریتانیا به کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب کمونیست بریتانیا خوشوقت است که گرم ترین تبریکات رفیقانه خود را به حزب توده ایران، به مناسبت شصتمین سالگرد بنیادگذاری آن ارسال کند. کمونیست های بریتانیا احترام عمیقی برای مبارزات بی وقفه و اصولی رفقای ایرانی در شرایط دشوار در طول سال های متممادی قائل هستند. رفقای حزب توده ایران با افشاکری ماهیت خشن و ارتجاعی رژیم مذهبی، نقش مهمی را در به میدان آوردن نسل های جدیدی از ایرانیان برای مقابله با خودکامگی ایفا کرده اند.

شرایط کنونی جهان، در پی حمله تروریستی به مرکز تجارت بین المللی، مشکلاتی نو و خطری جدی برای دور نمای صلح جهان پدید آورده است. استراتژی امپریالیسم آمریکا برای ایجاد گسترده ترین ائتلاف پیرامون طرح های تهاجمی رژیم جورج بوش در رشد مناسبات گسترش یابنده غرب با جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. سفر اعلام شده جک استرا، وزیر امور خارجه بریتانیا به تهران به عنوان سفر اولین سیاستمدار بلند پایه این کشور پس از سرنگونی رژیم پادشاهی نمونه آن است. هرچند بهبود روابط بین المللی در تمامیت خود مثبت است، مناسبات نزدیک تر رژیم مذهبی با امپریالیسم نشانگر تمایل فزاینده آن به همکاری با نیروهای استثمارگر جهانی است. کمونیست های بریتانیا و ایران در محکوم کردن همه اشکال تروریسم از جمله تروریسم دولتی متفقند. ما مخالف گرایش دولت بوش برای عملیات نظامی و جنگ افروزی هستیم و بار دیگر موضع خود را اعلام می کنیم که مبارزه برای پیشرفت اجتماعی، حقوق دموکراتیک مردم و ساختاری جهانی که بر اساس برابری و

احترام متقابل باشد موثرترین راه برای از بین بردن تروریسم است.

با همبستگی
رابرت گریفیت (دبیر کل)
شان کارترایت (مسئول بین المللی)

پیام حزب کمونیست اسپانیا

افتخار داریم از طرف دبیرخانه رهبری حزب کمونیست اسپانیا دروهای صمیمانه خود را به مناسبت شصتمین سالگرد بنیان گذاری حزب شما تقدیم کنیم. در این مقطع که مبارزه برای صلح، عدالت اجتماعی و دوستی بین خلق ها هدف اصلی همه ترقی خواهان جهان است، ما همبستگی قاطع خود را با پیکار شما بر ضد دیکتاتوری و برای آزادی و سوسیالیسم در ایران تصریح می کنیم.

با بهترین آرزوها
خوزه لوئیس نانس،
دبیر شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست اسپانیا

پیام جبهه چپ متحد اسپانیا

به کمیته مرکزی حزب توده ایران
رفقای عزیز،

هیئت رئیسه جبهه چپ متحد اسپانیا (IU) گرم ترین درود های رفیقانه خود را به مناسبت جشن شصتمین سالگرد حزب توده ایران، تقدیم می دارد. ما اعتقاد داریم که مبارزه بی که حزب شما در پیش گرفته است، بدون شک به اتحاد نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک در ایران در مبارزه برای صلح، همبستگی، حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی یاری خواهد کرد. برای حصول چنین دست آوردهایی، که عمیق ترین آرزوهای مردم ایران را تشکیل می دهد، ما حمایت و همبستگی بین المللی، یکپارچه و فعال خود را متعهد می شویم.

با عمیق ترین آرزوها برای توفیق فعالیت های شما.
با دروهای برادرانه،

پدرو مارست، دبیر شعبه روابط بین المللی جبهه چپ متحد اسپانیا

پیام حزب کمونیست نوین هلند

رفقای عزیز،

امروز ما شاهد این هستیم که چه گونه امپریالیست های ایالات متحده و «متحدان» غربی آن خواهان تامین کنترل محکم تری بر منطقه خاور میانه اند. خلق های این منطقه نفت خیز، به این و یا آن شکل، قربانیان این حقیقتند که کشورهای آنها موضوع مبارزه قدرت های امپریالیستی می باشند که هیچ گونه توجهی به زندگی و آینده توده های مردم ندارند. وضعیت ملی در کشورهای مختلف بستگی به نوع حکومتی دارد که بر این کشورها حکومت می کند. در ایران یک دولت بنیادگرایی اهریمنی قدرت را بدست دارد. این حاکمان امروز عمده ترین سد در مقابل توسعه مردم ایران هستند. کمیته مرکزی حزب کمونیست نوین هلند بهترین آرزوهای خود را برای موفقیت شما در مبارزه طولانی و خطرناک و متهورانه شما بر ضد هرگونه سرکوب در کشورتان تقدیم می کند. ما تبریکات صمیمانه خود را به مناسبت شصتمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران تقدیم می داریم. امروز، بیش از هر موقع دیگر، نیروهای مترقی و بویژه جنبش کمونیستی نیاز به هماهنگی و همبستگی بین المللی دارد. بیایید مبارزه برای صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی و همبستگی را ادامه دهیم.

زنده باد حزب توده ایران

زنده باد روابط برادرانه بین حزب توده ایران و حزب کمونیست نوین هلند

کمیته مرکزی حزب کمونیست نوین هلند

برگزاری شکوهمند جشن شصتمین سالگرد بنیان گذاری حزب توده ایران در سوئد



«شنبه بامداد ۷ مهرماه، رفقا و دوستان برای تزئین سالن شهرداری استکهلم، محل اجرای جشن، گرد می آیند. جهره هایی شاد و مصمم. هر رفیقی کاری بر عهده می گیرد. گروهی از رفقا، پارچه بزرگ سرخ رنگی را با شعار «فرخنده باد شصتمین سالگرد بنیان گذاری حزب توده ایران!» بر دیوار می آویزند و رفقای دیگر مشغول نصب تصاویر بزرگ مارکس، انگلس و لنین و همچنین تصویر رفیق حید عمو اوغلی، بر دیوار انتهایی صحنه اند. پوسترها و عکس هایی از رفقای شهید توده ای، دیوارهای سالن را تزئین می کند. عکس هایی از رفقا ارانی، روزبه، سرهنگ سیامک، سرگرد وکیلی، درباردار افضل، رحمان هاتقی (مهرگان)، زنده یاد احسان طبری و تصاویری از صحنه های قهرمانان تیرباران شده توده ای شکوه و جلوه خاصی به سالن می دهد. دو رفیق تابلوی نقاشی کاوه آهنگر را با درفش کویانی در دست بر یکی از دیوارها نصب می کنند و در بیرون سالن، بر روی میزهای گوناگون نشریات حزبی از گذشته تا کنون، نشریه «نامه مردم» و مجله «دنیا»، نوارهای سرود حزب و ... میهمانان را به خود جلب می کند.

از ساعت ۶/۳۰ تا هنگام شروع برنامه شمار کثیری از اعضاء، هواداران، دوستان و نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی با دسته های گل، نمایندگان احزاب و سازمان های آزادی خواه کشور، به سالن وارد می شوند. برنامه با یک دقیقه سکوت به یاد شهیدان توده ای و دیگر مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی آغاز می شود و سپس سکوت با سرود چهارم حزب درهم شکسته می شود: «بر شکن هر سد اگر خواهی آزادی... حزب ما توده را سازد پیروز و...» نوبت به قرائت پیام حزب توده ایران واحد سوئد می رسد و سپس رفیق دیگری، در پی این پیام، درباره «حزب سازنده ایمان های خارا ئین» سخن می گوید و رفیقی پس از او به «راز ماندگاری حزب توده ایران» می پردازد.

در کنار پیام ها و سخنرانی ها، موسیقی کلاسیک با پیانو، موسیقی ایرانی، قطعات شعری از رفقا طبری و کسرابی و بالاخره اجرای نمایش ضد جنگ «سنگر» با استقبال پر شور گروه کثیر حضار روبه رو می شود. احزاب و سازمان های مختلف ایرانی و خارجی پیام های همبستگی خود را قرائت می کنند: حزب کمونیست سوئد، حزب کمونیست کلمبیا، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست بولیوی، حزب کمونیست عراق، جبهه ملی ایران در سوئد و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جمله سازمان ها و احزابی هستند که به جشن شصتمین سالگرد حزب پیام می دهند. جشن شصتمین سالگرد حزب توده ایران با شادی و شفق و با بسته شدن پیوند های دوستی و مهر بین توده ای ها و دیگر آزادی خواهان نزدیک به نیمه شب پایان می یابد.

ادامه روند اصلاحات در چنبره ...

در هفته های گذشته در جریان برگزاری کنگره جبهه مشارکت اسلامی، محمد رضا خاتمی از تلاش برای تأمین حداقل خواست های مردم سخن گفت و فعالان جنبش را از تازاندن شعارها و بالا بردن انتظارات مردم بر حذر داشت. البته نه او و نه دیگر سخنرانان این کنگره روشن نکردند که این حداقل خواست های جنبش چیست و جبهه مشارکت و متحدان آن حتی برای تحقق همین حداقل چه برنامه و سازماندهی را تدارک دیده اند. در هفته های اخیر، در پی یورش تروریستی به شهرهای آمریکا و سپس لشکر کشی آمریکا و متحدانش به منطقه، مسایل داخلی ایران نیز تحت الشعاع این وقایع قرار گرفته است. جناح های مختلف حاکمیت از حفظ «منافع نظام» سخن می گویند و تلاش های موفقی در زمینه پایین کشیدن فتنه های اختلافات داخلی در مقابل «خطر خارجی» صورت گرفته است. همه این حرکت ها برای دست یابی به «وفاق ملی» میان گروه های مختلف در حالی سازماندهی می شود که تهاجمات ارتجاع بر ضد جنبش مردمی در عرصه های مختلف همچنان ادامه دارد. در هفته های گذشته انجمن های دانشجویی دانشگاه های مختلف ضمن ابراز تأسف از سمت و سوی اتخاذ شده از سوی دولت جدید، تأکید کرده اند که ترندهای گوناگون ارتجاع بر ضد جنبش دانشجویی با شدت و حدت تمام ادامه دارد. روزنامه «نوروز»، دوشنبه ۳۰ مهرماه خبر داد که شورای نگهبان رژیم به طور بی سابقه یی به حذف «نامزدهای اصلاح طلب»، برای انتخابات میان دوره یی مجلس دست زده است. در همین هفته با صدور «تذکر قانون اساسی» از سوی خاتمی، رئیس جمهوری، در اعتراض به دستگیری و به دادگاه کشاندن نمایندگان مجلس، شاهرودی، رئیس قوه قضائیه، با ارسال نامه یی به خاتمی، اختیار قانونی رئیس جمهوری را در دادن تذکر قانون اساسی مورد ابهام قرار داد و خواستار تفسیر شورای نگهبان ارتجاع گردید («نوروز»، ۳۰ مهرماه ۱۳۸۰).

حزب ما در جریان انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰، ضمن انتقاد از مواضع مامشات طلبانه و ضعیف خاتمی و نیروهای نزدیک به او یاد آور شد که ادامه این روند و این سیاست ها نتایج منفی جدی برای روند اصلاحات در میهن ما به همراه خواهد داشت. آزمودن آزموده ها و تجربه شده ها را نمی توان تکرار ساده اشتباهات قلمداد کرد. پایبندی به قول های انتخاباتی و جلو بردن امر اصلاحات در میهن ما را نمی توان در چارچوب زدوبند با نیروهایی که تضادی آشتی ناپذیر با روند اصلاحات دارند سازمان دهی کرد. ما در دوم خرداد ۱۳۷۶، یادآوری کردیم، که در چارچوب ادامه رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به تحقق اصلاحات پایدار، دموکراتیک و بنیادین هیچ گونه خوشبینی داشت. ما در خرداد ۱۳۸۰ تکرار کردیم که باید از چهار سال گذشته آموخت و با اتکاء به نیروی مردمی عظیمی که خواهان پیشبرد امر اصلاحات در میهن ما هستند، این روند را با تمام توان و با سازماندهی دقیق گسترش داد. تجربه ماه های گذشته خلاف این روند را نشان می دهد. حزب ما نمی تواند نگرانی عمیق خود را از تحولات کنونی که می تواند به دلسرد شدن بخش های مهمی از نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات منجر شود و در انتها به شکست کامل روند اصلاحات بیانجامد، پنهان کند. مامشات گری و تسلیم طلبی زیر شعار «آرامش فعال» ضایعات جدی برای جنبش به همراه داشته است. باید تلاش در راه سازمان دهی نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، خصوصاً طبقه کارگر، جوانان، دانشجویان و زنان را دو چندان کرد. سیاست های اقتصادی - اجتماعی اتخاذ شده بی شک به گسترش دامنه نارضایتی و اعتراض های توده ای، خصوصاً در صفوف طبقه کارگر، منجر خواهد شد، باید تلاش کرد تا میان این حرکات توده ای هماهنگی ایجاد شود. باید امر مبارزه بر ضد حاکم شدن سیاست های راست گرا و بدور از خواست های جنبش مردمی را در صفوف نیروهای اصلاح طلب تشدید کرد. باید با فشار از طریق توده ها اجازه نداد که ارتجاع حاکم و تسلیم طلبان بتوانند جنبش را به بیراهه «حفظ نظام» بکشانند. اوضاع حساس کنونی نیازمند برخورد مسؤولانه و دقیق و حرکت قاطع در جهت تحقق خواست های جنبش مردمی است. این امر همچنان که ما در گذشته بارها اعلام کرده ایم نیازمند سازماندهی بیشتر و هماهنگی نیروهای مدافع اصلاحات است.

اثر تخریبی تروریسم یا بحران اقتصادی بر سرمایه داری

پس از حمله به ساختمان مرکز تجارت جهانی در نیویورک و ساختمان پنتاگون در واشنگتن، شرکت های هواپیمایی و دیگر شرکت های وابسته به آنها، به بهانه «تاثیر» این حمله به اقتصاد جهانی، دهها هزار نفر از کارکنان خود را اخراج کردند.

شرکت انگلیسی «بریتیش ایرویز» اعلام کرد که، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، ماهیانه بیش از ۲۵ میلیون پوند ضرر می دهد. این شرکت پس از ۱۱ سپتامبر بیش از ۷۲۰۰ نفر را اخراج کرده است، که این تعداد برابر با ۹ درصد کل تعداد کارکنان شرکت مزبور است. این در حالیست که پس از اخراج این تعداد، ارزش سهام شرکت به مقدار ۲/۷ درصد افزایش یافت. رولز رویس نیز طی دو هفته گذشته بین ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر را در بخش هواپیمایی خود اخراج کرد. رولز رویس سازنده موتورهای هواپیمای بوئینگ آمریکایی و ایر-باس های اروپایی است.

شرکت بوئینگ نیز هفته گذشته اعلام کرد که بیش از ۱۲۰۰۰ نفر از کارکنان خود را تا اواسط دسامبر اخراج خواهد کرد و این کاهش، اولین مرحله کاهش تعداد کارکنان این شرکت است که قرار است تا سال ۲۰۰۲ به بیش از ۳۰۰۰۰ نفر بالغ شود. بنا به گزارش رویتر، بوئینگ اعلام کرده است که علت این کاهش، تاثیر حمله تروریست ها در ۱۱ سپتامبر است که سبب کاهش تعداد مسافران شده است.

اخراج های جمعی که به بهانه حمله ۱۱ سپتامبر صورت می گیرد، تنها بهانه بی برای سرپوش گذاشتن به بحران اقتصادی جهان سرمایه داری است که مدتها قبل از این حمله آغاز شده بود و تاثیر مخرب آن در تمامی جهان به خوبی نمایان بود.

پس از ده سال رشد اقتصادی، دولت ایالات متحده با رکود اقتصادی مواجه شد که مدت ها قبل از واقعه ۱۱ سپتامبر آغاز گشته بود. بر اساس تازه ترین آمار رسمی منتشر شده در آمریکا، این طولانی ترین دوره رکود اقتصادی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم است و کاهش تولید در بخش های مختلف صنعتی آمریکا، ادامه روندی است که از دوازده ماه قبل آغاز شده بود و در حال حاضر بخش صنعتی از ۷۵ درصد ظرفیت خود استفاده می کند که در طول ۱۸ سال اخیر بی سابقه بوده است.

رشد اقتصادی ایالات متحده در سه ماهه آخر سال ۲۰۰۰ برابر با ۱/۱ درصد بود و در پایان این دوره نیز با کاهشی سریع به صفر رسید. نوسانات رشد اقتصادی در اواسط سال گذشته آغاز شد و در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۰ رشد اقتصادی در رقم ۵/۶ درصد ثابت ماند و در سه ماهه سوم تا ۲/۹۹ درصد کاهش یافت. علت اصلی این کاهش، کمبود سرمایه گذاری های جدید و کم شدن قدرت خرید مردم بود.

همچنین قبل از ۱۱ سپتامبر، شرکت های فراملی، مانند «لوسنت»، «موتوراولا»، «کرایسلر»، «جنرال موتورز»، و «فورد»، اعلام کردند که در مجموع بیش از ۱۵۰ هزار نفر ارکارکنان خود را اخراج کرده اند. از سال گذشته نیز ارزش سهام نیز با سقوطی سنگین مواجه شده است و ارزش آنها بطور غیر مترقبه ای کاهش یافت. ارزش سهام «نسدق» پس از مارس ۲۰۰۰، حدود ۴۰ درصد کاهش یافت که برابر با ۶ میلیارد دلار است.

سهام نیویورک نیز در همین مدت ۱۳ درصد کاهش یافت. دولت بوش و دیگر دولت های امپریالیستی در پی حادثه ۱۱ سپتامبر، بحران اقتصادی خود را به گردن «بن لادن» انداخته اند. «مجله اقتصادی» در آخرین شماره خود می نویسد که تروریست ها با حمله خود اقتصاد جهانی را تخریب کرده اند که علت اصلی بدترین رکود اقتصادی در چند دهه اخیر است. نویسنده مقاله سرانجام توانسته است پس از «تلاش» فراوان، علت اصلی بحران جهان سرمایه داری را بیابد که آن نیز کسی به غیر از «بن لادن» نیست. ورشکستگی بانک ها، رکود اقتصادی طولانی، افزایش دائمی بیکاری، ورشکستگی اقتصادی، تمامی به علت حادثه ۱۱ سپتامبر است و اگر «بن لادن» وجود نداشت، بطور «یقین» بحران های اقتصادی جهان سرمایه داری نیز وجود نداشت.

نظامی گری در خدمت برتری طلبی!

پس از هفته ها آماده سازی نظامی بمباران افغانستان، اکنون کاملاً مشخص است که دولت ایالات متحده، حمله تروریستی به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون را بهانه بی قرار داده است تا بتواند تحت لوای «مبارزه با تروریسم»، سرکردگی نظامی خود را در جهان افزایش دهد و شروع آن نیز خاور میانه و آسیای مرکزی است. سیاست خارجی ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر تغییر نیافته است، بلکه در روند ادامه سیاست های همیشگی آمریکا صورت می گیرد، منتها با این تفاوت که واقعه ۱۱ سپتامبر بهانه ای شده است تا سیاستمداران آمریکایی بتوانند تحت نام «مبارزه با تروریسم»، به هر منطقی که با سیاست های آن مخالف باشد حمله کند و قدرت نظامی خود را تحمیل نمایند. و اما چه کسی بنا به نظر واشنگتن تروریست است؟

ایران، عراق، سوریه، لیبی، سودان، جمهوری دموکراتیک خلق کره و یا اینکه کوبا، لبنان و فلسطین و یا مبارزین کلمبیایی اند. بنا به نظر جرج بوش، تمامی این کشورها و بسیاری دیگر در زمره تروریست ها و یا حامیان آنها هستند و در «جنگ طولانی» که در پیش رو است و بنا به اعتراف مقامات آمریکایی حتی باید انتظار جنگی چند ساله را داشت، این کشورها نیز هدف های بعدی اند. حضور نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در اقصی نقاط جهان، در جهت تحقق بخشیدن به این هدف صورت می گیرد. ایجاد «نظم نوین جهانی» که از طریق ارباب، و سرکوب خشونت بار و کشتار های جمعی، در هر کجا که باشد، قرار است صورت بگیرد.

روز ۵ اکتبر ۷۰۰۰ نفر از نیروهای ناتو، تمرینات نظامی دو هفته ای خود را در جنوب اسپانیا و مدیترانه آغاز کردند. اعلام شده است که این تمرینات، تلاش ایالات متحده برای ایجاد «اتحادی» برای «مبارزه با تروریسم» صورت می گیرد. همچنین بیش از ۵۰۰۰ نفر از ۱۶ کشور عضو ناتو در ۶ اکتبر، تمرینات نظامی خود را در شمال غربی ترکیه آغاز کردند که چند صد نفر از نیروهای نظامی آمریکا نیز در آن شرکت دارند. کشورهای عضو ناتو تعهد داده اند که امکانات نظامی، بنادر و فرودگاه های خود را تمام مدت در اختیار ایالات متحده قرار خواهند داد تا در «مبارزه بر ضد تروریسم» استفاده کند.

به همین بهانه، پنتاگون عرصه فعالیت خود را به طرف آسیای مرکزی نیز باز کرده است. جمهوری ازبکستان پایگاه های نظامی خود را در اختیار آمریکا قرار داده است و جمهوری تاجیکستان نیز قول داده است تا در صورت لزوم پایگاه های خود را در اختیار آمریکا قرار دهد.

در مجموع بیش از ۸۰ هزار نیروی نظامی متحدان آمریکا در سراسر جهان به حرکت در آمده اند تا با «تروریسم» مبارزه کنند و در این میان، ایالات متحده در تلاش است تا به تنهایی نیروهای خود را در سراسر جهان به کار بگیرد و تا آنجاییکه ممکن است بدون مشارکت دیگران، حتی همقطاران اروپایی خود، این عملیات را صورت دهد.

یکی از مسئولین نظامی ایالات متحده در این مورد گفت که، هرچه تعداد افرادی که به آنها تکیه می کنی کمتر باشد، به اجازه کمتری نیز نیاز خواهی داشت. ایالات متحده نمی خواهد کسی در مورد نقشه های جنگی آن دخالت کند، چرا که موقعیت کنونی، فرصت مناسبی است تا بتواند سرکردگی خود را به جهان تحمیل کند و به تمام جهان اعلام کرده است که قصد گسترش جنگ را دارد. جرج بوش در سخنرانی خود در ۷ اکتبر و در شروع حمله های هوایی به افغانستان گفت: «امروز ما خود را بر روی افغانستان متمرکز کرده ایم، اما مبارزه ابعاد وسیع تری دارد» و تصریح کرد که در این میان هیچ کشوری نمی تواند بی طرف باقی بماند. این چنین مفهومی را در بر دارد که هر کسی که نقشه های آمریکا را مورد تأیید قرار ندهد، دچار «خشتم» آمریکا در «مبارزه با تروریسم» خواهد شد و در لیست «تروریست ها» قرار خواهد گرفت.

«نه» پر طنین مردم جهان به نظامی گری و جنگ!



اوج گیری غیرقابل تصور و سریع دامنه کارزار جهانی صلح بر ضد اقدامات ایالات متحده و انگلستان در بسیج یکی از بزرگ ترین کارزار های نظامی دهه اخیر، محافل رسمی و رسانه های خبری جهان را به حیرت واداشته است. تظاهرات عظیم ضد جنگ در بیش از ۳۰ کشور جهان و از جمله ایالات متحده، انگلستان، کانادا، آلمان، ژاپن، سوئد، ایتالیا، سوئیس، یونان، اسپانیا، هندوستان در آخرین هفته مهرماه نشانه بی مشخص و تحسین برانگیز از عزم نیروهای صلح دوست و ترقی خواه در مقاومت در مقابل و مقابله با سیاست شانناژ سران کشور های سرمایه داری برای کشتن مردم جهان به یک ماجراجویی حساب شده است.

■ در لندن کمونیست، سوسیالیست، سندیکالیست، مسلمان و مسیحی دوش به دوش هم در تظاهرات باشکویی که بیش از ۵۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند در اعتراض به بمباران افغانستان در خیابان های مرکزی پایتخت به راه پیمایی پرداختند. خانم کارول ناوتون، صدر سازمان ضد جنگ «کارزار برای خلع سلاح اتمی» (CND) گفت: «مادر اینجا گرد آمده ایم زیرا هزاران نفر در سراسر انگلستان معتقدند که بمباران افغانستان راه پایان دادن به تروریسم نیست.» پایتخت آلمان نیز شاهد بزرگترین جنبش اعتراضی برضد بمباران هوایی افغانستان به تلافی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر بود.

■ بیش از ۳۰/۰۰۰ تن در تظاهرات برلین، که از طرف بیش از ۱۴۰ گروه و سازمان و از جمله احزاب چپ، کمونیست و مارکسیست فراخوانده شده بود شرکت کردند. گروه هایی از هنرمندان که سوار بر کامیون های مخصوص در تظاهرات شرکت داشتند با اجرای آهنگ ها و آواز های فولکلوریک ضد جنگ سال های دهه ۱۹۶۰ به تظاهرات جلوه خاصی داده بودند. هانس واند، یک دکتر ۵۴ ساله، که در تظاهرات شرکت داشت گفت: «خاطره وحشت بار جنگ جهانی دوم همه ما را در آلمان وا می دارد که نگران و دلواپس باشیم..... من برضد این جنگ هستم زیرا عادلانه نیست و موجب کشته شدن مردم عادی بی گناه و یا اجبار آن ها به ترک خانه و زندگی خود می شود.» در هنگام عبور تظاهر کنندگان که پلاکارد هایی با شعار های «جنگ یک کشتار است»، «به جنگ بوش خاتمه بدهید» حمل می کردند، از «براندنبورگ» و منطقه مرکزی برلین که محل استقرار وزارت خارجه و شهرداری برلین می باشد، درگیری های جزئی با نیروهای پلیس مستقر در محل به وقوع پیوست.

■ در اشتوتگارت نیز بیش از چهار هزار نفر در تظاهرات ضد جنگ شرکت نمودند. گرهارد شرودر، صدر اعظم آلمان، در دفاع از سیاست دولت آلمان در حمایت از سیاست جنگ طلبانه ایالات متحده، از کارزار ضد جنگ در کشور انتقاد کرد و مخالفان را «گمراه» خواند.

■ در کلکته بیش از صد هزار نفر در مخالفت با جنگ، یکی از بزرگترین اجتماعات اعتراضی سالیان اخیر را سازمان دادند. تظاهرات که توسط ائتلاف «جبهه چپ» حاکم سازمان داده شده بود وسیعاً از سوی احزاب چپ، کمونیست ها، سازمان های صلح و دانشجویی مورد حمایت قرار گرفت. تظاهر کنندگان که در زیر باران شدید خیس شده بودند فریاد می زدند: «ما خواهان صلح هستیم و نه جنگ»، «جنگ تروریستی

بالا تظاهرات مردم در آتن - پایین تظاهرات مردم در لندن

برضد مردم افغانستان را متوقف کنید.» در مسیر ۱۱ کیلومتری تظاهر کنندگان از خیابان های شهر در چندین نقطه گروه های هنری با اجرای کنسرت های خیابانی و خواندن آواز ها و سرود های ضد جنگ و صلح طلبانه از راه پیمایان استقبال کردند.

■ در سوئیس بیش از ۵/۰۰۰ نفر در شهر برن، پایتخت سوئیس، در تظاهرات ضد جنگ شرکت کردند.

■ تظاهرات ضد جنگ در شهر کانو، بزرگترین شهر منطقه مسلمان نشین در شمال نیجریه، به درگیری های خونین منجر شد، که طبق بیانیه های رسمی دولت این کشور به کشته شدن حداقل ۱۶ نفر انجامیده است. دولت نیجریه برای کنترل اوضاع و خاتمه به درگیری های خونین بین مسلمانان و اقلیت مسیحی شهر مقررات منع عبور و مرور شبانه اعلام کرده است. طبق گزارش های منتشر شده تظاهرات ضد جنگ در منطقه مسلمان نشین که مواجه با بحران بیکاری و فقر بوده است بار دیگر به درگیری های خونین مسلمان - مسیحی و حمله به مراکز مذهبی که در دو ساله گذشته باعث مرگ هزاران نفر شده است، کشید.

■ هر هفته ده ها هزار نفر از مردم در مخالفت با اقدام نظامی ایالات متحده در شهر های بزرگ یونان و ایتالیا تظاهرات می کنند. احزاب کمونیست و نیروهای طرفدار صلح نقش عمده ای در سازماندهی این اقدامات اعتراضی موفق داشته اند.

آنچه باعث شده است که بررغم موج قوی محکومیت حملات تروریستی به نیویورک و واشنگتن چنین جنبش اعتراضی ای پا بگیرد مواضع سران آمریکا، انگلستان و سایر کشورهای بزرگ سرمایه داری است که سعی دارند از این تراژدی برای تحکیم سیستم سرمایه داری استفاده کنند.

ادامه در صفحه ۴

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 620
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

23 October 2001

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک